

## روندپژوهی خطرات ژئوپلیتیکی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۱۴۰۴

\* فرشته میرحسینی  
\*\* محمد رحیم عیوضی  
\*\*\* عباس کشاورز شکری

### چکیده

بررسی مؤلفه های تأثیرگذار بر قدرت یک کشور نشان دهنده تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی بر جایگاه آن کشور در نظام قدرت منطقه ای است. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران جایگاه مهمی در نظام قدرت غرب آسیا دارد. در کنار لزوم توجه به مزیت های ژئوپلیتیکی، ارتقای جایگاه ایران در نظام قدرت منطقه ای، مستلزم شناسایی خطرات ژئوپلیتیکی است که با آن مواجه خواهد بود. هدف پژوهش، روندپژوهی خطرات ژئوپلیتیکی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۱۴۰۴ با رویکرد آینده پژوهانه و با استفاده از روش تحلیل روند است. مطابق با یافته های پژوهش، افزایش تنش میان ایران و عربستان، افزایش تقابل آمریکا و ایران، تشدید روابط های مذهبی و قومی، توسعه طلبی رژیم صهیونیستی، کاهش سطح همگرایی در منطقه، ترویج ایران هراسی و شیعه هراسی، افزایش قدرت بنیاد گرایان سلفی، افزایش روابط های تسلیحاتی، گسترش بحران در منابع، افزایش دولت های ناکامیاب و مداخله گرایی قدرت های فرامنطقه ای، از مهم ترین خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه ایران در غرب آسیا در افق ۱۴۰۴ است.

### واژگان کلیدی

آینده پژوهی، روندپژوهی، خطرات ژئوپلیتیکی، غرب آسیا.

\*. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی دانشگاه شاهد و مدرس گروه معارف اسلامی.  
fereshte.mirhosieni@yahoo.com  
\*\*. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد و مدرس گروه معارف اسلامی.  
danesh.mr@yahoo.com  
\*\*\*. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد.  
abbaskeshavarze@yahoo.com  
\*\*\*\*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۸  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲

## طرح مسئله

غرب آسیا منطقه‌ای مهم از بعد ژئوپلیتیکی، راهبردی و اقتصادی است که در عصر مدرن به دلیل اهمیت فزاینده نفت، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. امنیت و ثبات در این منطقه شکننده است؛ بنابراین الگوهای نظم منطقه‌ای همواره در وضعیت مبهم و متغیر قرار داشته است. در دهه‌سوم قرن ۲۱، همچنان اخبار مربوط به غرب آسیا مهم و نگران‌کننده است. سال‌ها جنگ در سوریه فاجعه انسانی و جمعیت گسترشده‌ای از آوارگان را به همراه داشته است. یمن به دلیل درگیری‌های نظامی که با مداخلات خارجی تشید شد با قحطی و ناامیدی مواجه است. خاشقچی در کنسولگری عربستان در ترکیه به قتل رسید. ترکیه که زمانی الگویی برای ایجاد دموکراسی در منطقه بود به سمت دیکتاتوری تغییر جهت داده است. گزارش‌های مربوط به نقض حقوق بشر در بحرین و همچنین سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز در مصر مشاهده می‌شود.

با توجه به قرار داشتن ایران در غرب آسیا، ویژگی‌های مرتبط با موضوعات ژئوپلیتیکی منطقه، چالش‌هایی برای کشور به همراه داشته است. قرار گرفتن در یک منطقه ناامن برای ایران مخاطره‌آفرین و هزینه‌بردار است و کاهش این هزینه‌ها نیازمند شناسایی دقیق خطرات ژئوپلیتیکی با نگاهی آینده‌پژوهانه است. روند پژوهی و آگاهی از خطرات ژئوپلیتیکی به منظور شناسایی و مقابله با آنها از الزامات راهبردی در سیاست خارجی است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که «مهماًترین خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۲۰۲۵ کدامند؟». بنابراین هدف اصلی پژوهش روند پژوهی خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا است و بررسی میزان تأثیرگذاری هریک از این عوامل بر کشور می‌تواند موضوع پژوهش‌های مستقل دیگری قرار گیرد. گرچه شناسایی و پیش‌بینی روندهای آینده در منطقه غرب آسیا به دلیل شتاب بالای تحولات منطقه، اختلافات گسترده میان کشورهای منطقه و دخالت قدرت‌های بزرگ دشوار است. به گفته کاتوزیان «در منطقه‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر همچون خاورمیانه به داشتن علم پیامبری نیاز است تا بتوان آینده را با میزانی از قطعیت پیش‌بینی کرد و حتی ممکن است او هم فریب رویدادها را بخورد».<sup>(۶۲)</sup> (حافظیان، ۱۳۸۸: ۶۲)

پژوهش‌هایی درباره خطرات ژئوپلیتیکی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا صورت گرفته است، اما اغلب آنها نگاه جامع و آینده‌نگر نسبت به موضوع نداشته، با رویکرد جزء‌حور و با تمرکز بر یک موضوع خاص نوشته شده‌اند. لذا این پژوهش تلاش می‌کند به کاهش خلاً علمی در این زمینه بپردازد. در این پژوهش از روش تحلیل روند با رویکرد کیفی استفاده شده است؛ براساس

این آینده یکباره اتفاق نمی‌افتد و از اکنون نشانه‌های آن قابل مشاهده است. ترسیم چشم‌انداز آینده یک کشور یا منطقه نیازمند شناسایی و تحلیل «کلان‌روندها» است. «کلان‌روندها» تحولاتی بنیادین هستند که دامنه و گستره تأثیر بالایی دارند و آینده در پرتو آنها ساخته می‌شود. (کاظمی و نظامی، ۱۳۹۹: ۱۰۹) مخاطب اصلی روندپژوهی «سیاست‌گذاران» هستند، بنابراین روندپژوهی در مراکز پژوهشی جهان به جریانی فراگیر برای فهم جهان امروز و آینده تبدیل شده است. در این پژوهش، ابتدا با مراجعه به مطالعات آینده‌پژوهانه پژوهشکده‌های معتبر بین‌المللی روندهای تأثیرگذار در منطقه جمع‌آوری شد. سپس از میان روندهای جمع‌آوری شده مهم‌ترین خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران شناسایی شد. مطابق با یافته‌های پژوهش افزایش تنش میان ایران و عربستان، افزایش تقابل منافع آمریکا و ایران، تشدید رقابت‌های مذهبی و قومی، توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی، کاهش سطح همگرایی در منطقه، ترویج ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، افزایش قدرت بنیادگرایان سلفی، افزایش رقابت‌های تسليحاتی، گسترش بحران در منابع، افزایش دولت‌های ناکامیاب و مداخله‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، از موارد مهم خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۲۰۲۵ خواهد بود.

## چارچوب مفهومی

### ۱. روندپژوهی

نیاز به روش علمی جهت رویارویی با تغییرات و تحولات آینده منجر به ایجاد علم آینده‌پژوهی شده است. سهیل عنایت‌الله آینده‌پژوهی را «علم مطالعه آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و بن‌ماهیه‌ها و اسطوره‌های هر کدام تعریف می‌کند». یکی از روش‌های پرکاربرد در مطالعات آینده، روندپژوهی است که از آن برای پیش‌بینی، برنامه‌ریزی احتمالی، تجزیه و تحلیل امکان‌سنگی، برنامه‌ریزی راهبردی و سناریونویسی استفاده می‌شود. روندها براساس این پیش‌فرض که تغییرات در جهان دارای پیوستگی تاریخی است شکل می‌گیرند؛ روند از گذشته آغاز و تا آینده ادامه می‌یابد (البرزی دعوتی و نصراللهی، ۱۳۹۷: ۱۱۰ - ۱۱۰۵) بنابراین روند باید به طور جامع در برگیرنده مسائل باشد، چرخه عمر طولانی از گذشته، حال و آینده را دربرگیرد و بتواند آینده را تغییر دهد نه اینکه تأثیرپذیر باشد. این خصوصیت روند باعث می‌شود بتوان در فعالیت‌های آینده‌پژوهی از آن استفاده کرد. البته همه روندها در آینده‌پژوهی از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند؛ از برخی روندها با عنوان روندهای کلیدی نام برده می‌شود که اهمیت و تأثیر بیشتری دارند.

در روش تحلیل روند پژوهشگر باید با اتخاذ موضعی تاریخی و استفاده از داده‌های متنوع، اصلی‌ترین، بنیادی‌ترین و پایدارترین الگوهای تغییر را در متن انبوه تحولات و رویدادهای گذشته و حال شناسایی و به اتکای آنها چشم‌اندازی از آینده ارائه دهد. در تحلیل کیفی روند فرض بر این است که حوادث آینده ناگهانی رخ نمی‌دهد و از اکنون نشانه‌هایی برای پیش‌بینی آنها وجود دارد. «کورنیش» روش تحلیل روند را بررسی یک روند برای کشف ماهیت، علت‌های بروز، سرعت توسعه و پیامدهای آن توصیف می‌کند. هدف اصلی «روندپژوهی»، ارائه تجویزهای آینده‌ساز است. روندپژوهی، داده‌های خام و پردازش شده در دیده‌بانی را دریافت می‌کند و با استنباط روابط بین آنها، به انبوه داده‌ها، نظم و معنای دهد (حافظیان، ۱۳۸۸: ۲۸)

یکی از پژوهشگرانی که از الگوی تحلیل روند برای آینده‌پژوهی استفاده کرده، «جان نیزیست» است. الگوی تحلیلی نیزیست متمرکز بر شناسایی کلان روندهایی است که آینده تحت تأثیر آنها ساخته خواهد شد. این روندهای الگوهای «دگرگونی و تحول بزرگ» یا «تغییرات بزرگ مقیاس در شرایط و الگوها» هستند که در محیط پیچیده و متنوع پیرامون قابل شناسایی‌اند و نشان‌دهنده دگرگونی کلان در جهتی خاص هستند. روندهای کلان جریان‌هایی نیستند که به سرعت بیایند و بروند. این دگرگونی‌های عظیم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فنی به کندی شکل می‌گیرند و هنگامی که مستقر شدن برای مدتی بین هفت تا ده سال یا بیشتر ما را تحت تأثیر خود قرار خواهند داد. آنها الگوهای دگرگونی هستند که با ویژگی‌هایی چون «ساختاری بودن»، «پایداری و دوام زمانی»، «دامنه» و «گستره تأثیر» بالا قابل شناسایی‌اند.

منظور از ساختاری بودن آن است که روندهای کلان فراتر از رویدادهای پراکنده و جزئی، برآیند طیف وسیعی از رویدادها و اتفاقات پراکنده در جامعه هستند و در پس‌زمینه طیف وسیعی از پدیده‌ها قرار دارند. منظور از پایداری زمانی آن است که روندهای کلان برخلاف اتفاقات زودگذر که ظهر و افول سریع دارند مستمرند و برجستگی و تأثیرگذاری‌شان در زمان دوام دارد. منظور از دامنه تأثیر تعداد افراد و گروه‌هایی است که تحت تأثیر آن قرار دارند. گستره تأثیر نیز تعداد موضوعات و حیطه‌هایی از جامعه است که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. (کاظمی و نظامی، ۱۳۹۹: ۱۱۰ - ۱۰۹)

در پایش روند ابتدا باید هدف از تحلیل روند مشخص شود. هدف این پژوهش شناسایی خطرات ژئوپلیتیکی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۲۰۲۵ است. در مرحله بعد باید حوزه و شرایط محیطی روند بررسی شود؛ بنابراین به جمع‌آوری روندهای مرتبط با منطقه غرب آسیا براساس مطالعات آینده‌پژوهانه پژوهشکده‌های معتبر بین‌المللی پرداخته شد. بعد از جمع‌آوری روندها،

به دلیل تعدد روندها، تنها کلان روندها با موضوعات ژئوپلیتیکی و در سطح راهبردی براساس شاخص «ساختمانی بودن»، «پایداری زمانی»، «دامنه تأثیر» و «گستره تأثیر» بالا، احصاء شد. سپس روند مربوطه در حوزه و فضای محیطی تعریف شده توصیف گردد.

## ۲. خطر ژئوپلیتیکی

«ژئوپلیتیک» از نظر تاریخی برای توصیف عملکرد دولتها به منظور کنترل و رقابت برای قلمرو استفاده می‌شد. اما در دهه‌های اخیر مبارزات قدرت، شرکتها، سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های شورشی و احزاب سیاسی به عنوان بخشی از ژئوپلیتیک طبقه‌بندی می‌شوند. امروز واژه ژئوپلیتیک مجموعه متنوعی از حوادث مثل حملات تروریستی، تغییرات آب و هوا، برگزیت و بحران مالی جهانی را دربرمی‌گیرد (Dario & Lacoviello, 2018: 6) بنابراین در تعریف «خطر ژئوپلیتیکی» موقعیت‌هایی شناسایی می‌شود که در آن مبارزات قدرت بر سر قلمروها به شکل مسالمت‌آمیز و دموکراتیک حل نشود. براساس این «خطر ژئوپلیتیکی» به عنوان خطر ناشی از جنگ، اقدامات تروریستی و تنش بین کشورها تعریف می‌شود که بر روند مسالمت‌آمیز روابط بین‌الملل تأثیر می‌گذارند.

## ۳. روندهای تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا

پیش‌بینی روندهای امنیتی در غرب آسیا امکان‌پذیر نیست و عدم قطعیت درباره پویایی‌های امنیتی آینده غرب آسیا بالا است. اکنون غرب آسیا یک نظام چندقطبی است که فاقد هنجارها، نهادها و سازوکارهای متعادل‌کننده برای محدود کردن استفاده از زور است (Hazbun, 2018: 2) غرب آسیا دارای محیط پیچیده است که به‌ویژه پس از حمله آمریکا به عراق (۲۰۰۳) و با ظهور بیداری اسلامی پیچیده‌تر شده است. پیچیدگی غرب آسیا را می‌توان به دلیل تنوع قومیت‌ها، مذاهب و سبک‌های حکومتی متفاوت دولتهای منطقه و نبود سازمان منطقه‌ای متعهد دانست. این عوامل با هم ایجاد نظم در منطقه را به کاری دشوار تبدیل کرده است. این موضوع کاملاً مشخص است که مسئله نظم در غرب آسیا به دلیل مداخله خارجی به سختی قابل حل و فصل است و تلاش‌های بیرونی برای ایجاد نظم در منطقه شکست خورده است. (Oztork, 2017: 7)

منطقه‌منا در دهه‌های اخیر تغییرات قابل توجهی داشته است که ناشی از ترکیبی از عوامل مادی و ایدئولوژیکی از جمله شرایط، رویدادها و روندهای فعلی و آینده است؛ خیزش عرب، افزایش جمعیت جوانان، شهرنشینی، فرقه‌گرایی، بازیگران غیردولتی، تکثیر هسته‌ای، دولتهای شکننده (عراق، لبنان، مصر، تونس)، مهاجرت (اجباری)، فشار بر منابع طبیعی، تغییرات محیطی به‌ویژه تخریب اراضی،

تغییرات آب و هوايی، وابستگی برخی از کشورها به منابع فسیلی برای تولید درآمد از جمله اين روندهاست. (Mulligan & others, 2017: 2)

در گزارش «کشمکش در مذاکرات خاورمیانه و شمال آفریقا» مهمترین چالش‌های منطقه غرب آسیا به سه دسته تقسیم شده است: ۱. درگیری‌های فرعی اولیه؛ ۲. درگیری‌های فرعی ثانویه؛ ۳. مسائل متقاطع.

درگیری‌های فرعی «اولیه» به بی ثبات‌ترین درگیری‌ها در منطقه اشاره دارد. ویژگی اصلی آنها این است که فراتر از مرزهای خود دارای تأثیرات قابل توجهی هستند. این موارد عبارتند از: مناقشه رژیم صهیونیستی - فلسطین، برنامه هسته‌ای ایران، جنگ داخلی لیبی، جنگ داخلی سوریه و جنگ داخلی یمن.

در گیری‌های فرعی «ثانویه» حاکی از در گیری‌هایی است که بی‌حرکتند و نتایج بی‌ثبات‌کننده در ورای مرزهای خود ندارند. این در گیری‌ها شامل در گیری در صحراي غربي، در گيری بين سودان و سودان جنوبی و موضوعات مربوط به خود مختاری کردها است.

موضوعات موازی (همراست) به چالش‌های اساسی که بر بازیگران مختلف در منطقه تأثیرگذار است اشاره دارد و بیشترین ناپایداری منطقه‌ای و جهانی را ایجاد می‌کند. این موارد عبارتند از: بحران جابه‌جایی اجرایی منطقه‌ای، مسائل مربوط به دموکراسی و حقوق بشر، رقابت بین قدرت‌های بزرگ برای نفوذ منطقه‌ای، انرژی و ثبات اقتصادی، چالش‌های مربوط به محیط‌زیست و آب، رقابت منطقه‌ای شیعه و



## شکل ۱. سیستم تضادها در منطقه منا (Babbitt and others, 2017: 18)

سنی، رشد تروریسم و گسترش اسلام سیاسی  
Babbitt and others, 2017: 18) مطابق

فرضیه این گزارش تمام درگیری‌ها در منابع  
به هم پیوسته در درون یک سیستم تضاد  
منطقه‌ای پیچیده قرار دارند. نگاه  
به هم پیوسته به چالش‌های منطقه موضوع  
مهمی است که در این پژوهش مورد توجه  
قرار گرفته است، اما از طرفی با نگاهی  
بدینانه برنامه هسته‌ای ایران در دسته  
درگیری فرعی اولیه قرار گرفته و از آن با  
عنوان سلاح هسته‌ای ایران یاد شده است.

تاكون تحقيقات متعددی با موضوع رونديزوهی آينده منطقه غرب آسيا صورت گرفته است که در ادامه به مهمترین و جديدترین آنها اشاره خواهيم داشت:

براساس پژوهش «خاورميانه در ۲۰۲۰؛ تأثيرگذار يا تأثيرپذير از روندهای جهانی»، آينده غرب آسيا طيف گسترهای از رشد و توسعه شکننده تا بي ثباتي مزمن و درگيري هاي بالقوه منطقه اي را دربرخواهد گرفت. نظام دولت عربی با خطر تجزيه برخی کشورها مانند سوریه و عراق مواجه است. چشم انداز اقتصادي، تاریک و نرخ بیکاری رو به افزایش است. از نظر جمعیتی، جمعیت جوان طی پنج تا ده سال آينده به عنوان پیش ران باقی خواهد ماند. جمعیت جوان سرمایه است اما با توجه به سطح بالاي بیکاری در منطقه، احتمالاً عامل بی ثبات كننده خواهد بود. روند قیمت بالاي مواد غذائي تهدیدي برای ثبات سیاسی و اجتماعی در چندین کشور غرب آسيا است. در کل منطقه، سطح تحصیلات از سایر مناطق پایین تر است (Burrows, 2014: 1) با نگاهی به روندهای استخراج شده در اين پژوهش شاهد توجه بيشتر به روندهای اقتصادي و اجتماعی و غفلت نسبت به روندهای مهم و تأثيرگذار سیاسي، امنیتي و زیست محیطی هستیم.

پژوهش «آينده اعراب، سه سناريو برای سال ۲۰۲۵» نمایي همه جانبه از منطقه با تمرکز روی خلاهای امنیتی و ظهور تروریسم ارائه می دهد. اين گزارش شامل کلان روندها، تغیيردهندگان بازي، سناريوهای بالقوه و شگفتی سازها است. اين پژوهش سه سناريو برای آينده منطقه غرب آسيا در افق زمانی کوتاه مدت ارائه می دهد. طبق اين گزارش کلان روندهای زیر در آينده غرب آسيا اهمیت ویژه ای دارند و به عنوان عوامل اصلی زمینه ساز تغیيرات مهم در نظام منطقه ای شناخته می شوند.

### جدول ۱. کلان روندها و تغیيردهندگان بازي در غرب آسيا

(EU Institute for Security Studies, 2015: 12- 13)

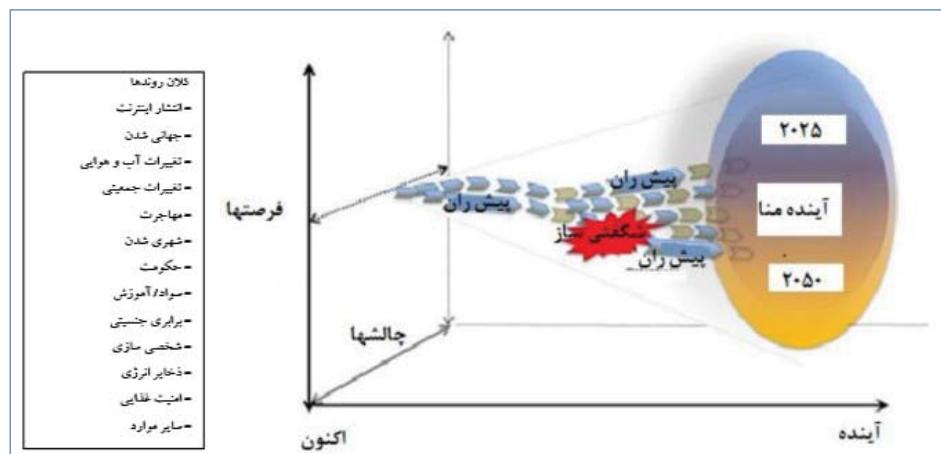
کلان روندها	
با وجود کاهش نرخ باروری، جمعیت جهان عرب از ۳۵۷ میلیون به ۴۶۸ میلیون نفر افزایش می یابد.	جمعیت شناسی
تعداد شهروندان عرب ساکن شهرها از ۵۶ درصد به بیش از ۶۱ درصد افزایش می یابد.	شهرنشینی
تغیيرات آب و هوایي به شدت جهان عرب را تحت تأثير قرار خواهد داد و چالش های کمبود آب و بیابان زایی را تشدید می کند. همچنین، افزایش سطح دریا بر مناطق پر جمعیت ساحلی تأثیر خواهد گذاشت.	تغیيرات آب و هوایي
کشورهای عربی تولید کننده نفت، در اقتصاد همچنان به هیدروکربن ها وابسته هستند.	انرژی
همه کشورهای عربی مواد غذائي را وارد می کنند و در برابر قیمت مواد غذائي آسیب پذير خواهند بود.	قیمت مواد غذائي

پیش‌بینی می‌شود سواد همچنان افزایش یابد و در سال ۲۰۲۵ به ۹۰ درصد برسد.	نرخ سواد
پیش‌بینی می‌شود دسترسی به شبکه جهانی اینترنت از ۲۵ درصد به ۵۰ درصد افزایش یابد.	نفوذ اینترنت
سرعت پیشرفت کند است، اما تعداد زنان در سیاست و تجارت در حال افزایش است.	برابری جنسیتی
<b>تغییردهنگان بازی</b>	
آیا کشورهای عربی اقدامات لازم را برای کاهش میزان بیکاری انجام می‌دهند؟	بیکاری جوانان
آیا کشورهای عربی قادر به کاهش اثرات اختلال در نوسانات قیمت مواد غذایی خواهند بود؟	وابستگی به قیمت ناپایدار مواد غذایی
آیا کشورهای عربی قادر به مهار یا شکست تروریسم و مقابله با ناامنی هستند؟	ناامنی
آیا کشورهای ناامن منطقه می‌توانند خود را از فضای ناامن در سوریه، لیبی و عراق محافظت کنند؟	سوریز منطقه‌ای
آیا نمونه تونس اثرات موج دار در منطقه ایجاد خواهد کرد؟ آیا دموکراتیک شدن موفق تونس انگیزه بیشتری برای تظاهرات ایجاد می‌کند یا شکست پروژه دموکراتیکسازی امکان سرکوب بیشتر را فراهم می‌آورد؟	تغییر دموکراتیک
آیا اسلام سیاسی به نیروی یکپارچه تبدیل یا سرکوب خواهد شد؟	شمولیت

گزارش «ادراک مجدد از نظم در منا» با تجزیه و تحلیل مطالعات آینده‌پژوهی چندین کلان روند در ارتباط با منطقه را مطرح کرده است. از جمله: تغییرات جمعیتی، شهرنشینی، تغییر آب و هوا، روندهای انرژی، امنیت غذایی، سواد / آموزش، نفوذ به اینترنت و فناوری، برابری جنسیتی / فردگرایی، روند دین‌داری / سکولاریزم، نظامی‌سازی، امنیت‌سازی، حکومت و جهانی‌سازی. (Soleri & others, 2016: 96)

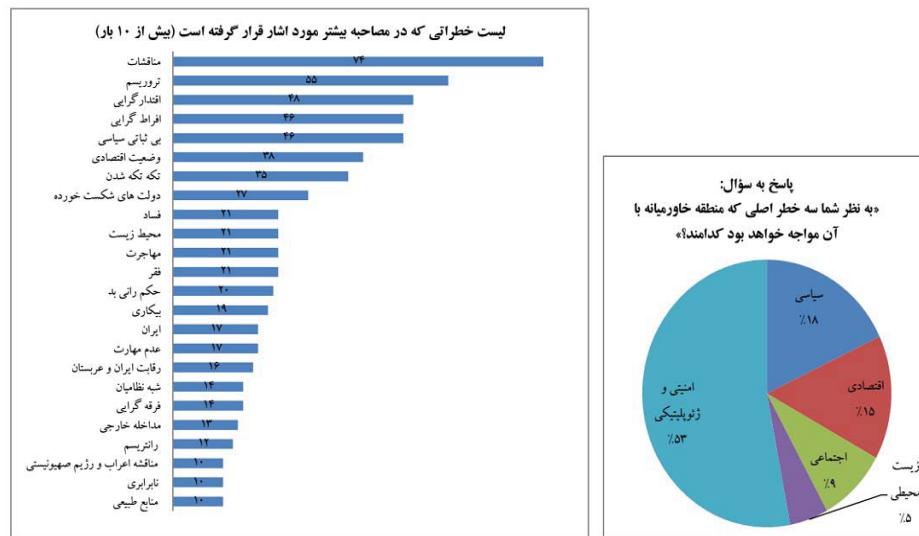
شکل ۲. مخروط آینده براساس کلان روندهای استخراج شده در منطقه منا

(Soleri &amp; others, 2016: 95)



مؤسسه «منارا» در پروژه «آينده‌های متصور برای خاورمیانه و شمال آفریقا» به استخراج روندهای تأثیرگذار بر آینده «منا» پرداخته است. اين گزارش با استفاده از تکيک‌های تحقیقاتی مختلف (مصاحبه، نظرسنجی دلفی و گروه‌های متمرکز) نمونه بزرگ و متنوعی برای درک آينده احتمالي منطقه و چالش‌های اصلي که جوامع و دولت‌های منطقه با آن مواجه هستند، جمع‌آوري کرده است. نتایج گزارش در قالب شکل زير ترسیم شده است.

شکل شماره ۳. خطرات اصلی آينده منا (Goll and others, 2019: 6)



مطابق نظر پاسخ‌دهندگان مهم‌ترین موضوعات تأثیرگذار بر آينده منطقه غرب آسيا به‌ترتیب شامل: امنیتی و ژئopolitickی (۵۳ درصد)، سیاسي (۱۸ درصد)، اقتصادي (۱۵ درصد)، اجتماعی (۹ درصد)، زیستمحیطی (۷ درصد) همچنین، ۲۴ موضوع به‌عنوان مهم‌ترین روندهای تأثیرگذار بر آينده منطقه غرب آسيا شناسایي شده‌اند که عبارتند از: مناقشه، تزویریم، اقتدارگرایی، افراطگرایی، بی‌شایستگی سیاسی، وضعیت اقتصادی، تکه‌تکه شدن، دولت‌های شکست‌خورده، فساد، محیط‌زیست، مهاجرت، فقر، حکمرانی بد، بیکاری، ایران، عدم‌مهارت، رقابت ایران و عربستان، شبه‌نظامیان، فرقه‌گرایی، مدخله خارجی، راتریسم، مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی، نابرابری و منابع طبیعی. اين پژوهش به استخراج روندها در حوزه‌های مختلف پرداخته است و براساس اين توانسته نگاه جامع‌تری درباره روندها در منطقه غرب آسيا داشته باشد.

در ادامه براساس مطالعات آينده‌پژوهی مطرح شده مهم‌ترین پيش‌ران‌های تأثیرگذار بر جايگاه ژئopolitickی جمهوري اسلامی ايران در غرب آسيا احصاء شد.

## جدول ۲. پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (نویسنده‌گان)

شماره	پیش‌ران‌ها در منطقه غرب آسیا	نوع پیش‌ران	سطح	عدم قطعیت
۱	رابطه ایران و عربستان	سیاسی	منطقه‌ای	تش بین ایران و عربستان افزایش خواهد یافت.
	رابطه ایران و آمریکا	سیاسی		تش بین ایران و عربستان کاهش خواهد یافت.
۲	رابطه ایران و آمریکا	سیاسی	بین‌المللی	تش بین ایران و آمریکا افزایش خواهد یافت.
	مدخله گرایی قدرت‌های فرامنطقه	سیاسی		تش بین ایران و آمریکا کاهش خواهد یافت.
۳	مدخله گرایی قدرت‌های فرامنطقه	سیاسی	بین‌المللی	مدخله گرایی قدرت‌های فرامنطقه در منطقه افزایش خواهد یافت.
	رقبات‌های مذهبی و قومی	فرهنگی		مدخله گرایی قدرت‌های فرامنطقه در منطقه کاهش خواهد یافت.
۴	رابطه اعراب و رژیم صهیونیستی	سیاسی	منطقه‌ای	رقبات‌های مذهبی و قومی افزایش خواهد یافت.
	رقبات‌های مذهبی و قومی کاهش خواهد یافت.	فرهنگی		رقبات‌های مذهبی و قومی کاهش خواهد یافت.
۵	رقبات‌های مذهبی و قومی	سیاسی	منطقه‌ای	رابطه اعراب و رژیم صهیونیستی تقویت خواهد شد.
	رقبات‌های مذهبی و قومی تضعیف خواهد شد.	سیاسی		رابطه اعراب و رژیم صهیونیستی تضعیف خواهد شد.
۶	سطح همگرایی در منطقه	سیاسی	منطقه‌ای	سطح همگرایی در منطقه افزایش خواهد یافت.
	سطح همگرایی در منطقه کاهش خواهد یافت.	سیاسی		سطح همگرایی در منطقه کاهش خواهد یافت.
۷	دولت‌های شکست خورده	سیاسی	منطقه‌ای	دولت‌های شکست خورده افزایش خواهد یافت.
	دولت‌های شکست خورده کاهش خواهد یافت.	سیاسی		دولت‌های شکست خورده کاهش خواهد یافت.
۸	ایران‌هایی و شیعه‌هایی	فرهنگی	بین‌المللی	ایران‌هایی و شیعه‌هایی افزایش خواهد یافت.
	ایران‌هایی و شیعه‌هایی کاهش خواهد یافت.	سیاسی		ایران‌هایی و شیعه‌هایی کاهش خواهد یافت.
۹	تروریسم	نظامی‌امنتی	بین‌المللی	تروریسم افزایش خواهد یافت.
	تروریسم کاهش خواهد یافت.	نظامی‌امنتی		تروریسم کاهش خواهد یافت.
۱۰	رقبات تسلیحاتی	نظامی‌امنتی	بین‌المللی	رقبات‌های تسلیحاتی افزایش خواهد یافت.
	رقبات‌های تسلیحاتی کاهش خواهد یافت.	نظامی‌امنتی		رقبات‌های تسلیحاتی کاهش خواهد یافت.
۱۱	بحران‌های زیست‌محیطی	زیست‌محیطی	منطقه‌ای	بحران‌های زیست‌محیطی افزایش خواهد یافت.
	بحران‌های زیست‌محیطی کاهش خواهد یافت.	زیست‌محیطی		بحران‌های زیست‌محیطی کاهش خواهد یافت.

### ۴. روندپژوهی خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران

در منطقه غرب آسیا در افق ۲۰۲۵

تجزیه و تحلیل روندهای منطقه غرب آسیا نشان می‌دهد که کمیت و شدت چالش‌ها بر فرصت‌ها پیشی گرفته است و اکثر روندهای منطقه منفی هستند. تا سال ۲۰۲۵ غرب آسیا از ناازام‌ترین مناطق جهان باقی خواهد ماند که خطرات ژئوپلیتیکی مهمی را در خود جای خواهد داد. براساس مهم‌ترین پیش‌ران‌های استخراج شده و عدم قطعیت‌های مرتبط با هریک، مهم‌ترین خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا در افق ۲۰۲۵ به این شرح است:

### یک. افزایش تنش میان ایران و عربستان

عربستان و ایران دو قدرت منطقه‌ای اصلی در غرب آسیا هستند که رابطه آنها عاملی تعیین‌کننده در ژئوپلیتیک غرب آسیا است. در طول جنگ سرده، ایران و عربستان دو قطب سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا بودند اما با وقوع انقلاب اسلامی این توازن تغییر کرد (Shoamanesh, 2020). رابطه جمهوری اسلامی ایران و عربستان هیچ‌گاه در سطح مطلوبی نبوده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور شیعه و عربستان سعودی به عنوان یک کشور سنی، اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی متعددی دارند که منافع متضادی را برای آنها به همراه دارد؛ ایران و عربستان نمایانگر دو نظام سیاسی مجزا و دو رویکرد متفاوت در سیاست‌گذاری خارجی هستند. نظام سیاسی ایران و عربستان مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است اما اصول ارزشی آنها ناشی از دو تفسیر متفاوت از اسلام است. سقوط صدام حسين (۲۰۰۳) و تحولات بیداری اسلامی (۲۰۱۱) اختلافات میان این دو قدرت را افزایش داد (Behzad, 2018: 124). حمله نظامی عربستان به شیعیان حوثی، حادثه منا، تشکیل ائتلاف نظامی اسلامی، اعدام شیخ نمر و قطع روابط میان ایران و عربستان از جمله موضوعات تقویت‌کننده بی‌اعتمادی بین دو کشور در سال‌های اخیر است. بی‌اعتمادی دو کشور نسبت به یکدیگر باعث ایجاد شرایط هرج‌ومرج گونه‌ای در سطح منطقه شده است. (روحی دهبنه، ۹۲: ۱۳۹۶) امروز حوزه‌های نفوذ مورد اختلاف دو کشور شامل یمن، لبنان، عراق و سوریه است. (Osiewicz, 2016: 115 - 116)

### دو. افزایش تقابل منافع ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران

کشمکش میان ایران و آمریکا با کودتای ۱۳۳۲ شروع شد و با وقوع انقلاب اسلامی به اوج رسید. خصوصیت بین ایران و آمریکا در طول دهه‌های بعد از وقوع انقلاب اسلامی باعث شد تا تنش و درگیری نظامی بین ایران و آمریکا به عنوان یکی از شرایط محتمل بین دو کشور مطرح شود. این تضاد بهویژه از سال ۲۰۰۳ به دلیل اختلاف‌نظر درباره نقش دو طرف در غرب آسیا افزایش یافت. دو کشور افزایش نقش دیگری در منطقه را در تضاد با امنیت و منافع ملی خود می‌دانند؛ مسائلی چون برنامه هسته‌ای ایران، حمایت ایران از سازمان‌هایی که واشنگتن آنها را گروه‌های تروریستی می‌داند، مسائل مربوط به حقوق بشر و نفوذ ایران در عراق، سوریه و یمن از جمله موارد اختلاف میان دو کشور است. (Barzegar, 2018: 85).

در دوره اوباما بهویژه با امضای برنامه سطح تنش‌ها و تهدیدهای نظامی علیه ایران کاهش یافت. اما ترامپ باز دیگر سطح تنش‌های امنیتی و تهدیدهای آمریکا علیه ایران را افزایش داد. توسعه سیاست‌ها و رویکردهای خصم‌مانه آمریکا در قبال ایران در دوره ترامپ یکی از مهم‌ترین مسائل در

عرصه نظامی و امنیتی محسوب می‌شود. خروج ترامپ از برجام (مه ۲۰۱۸)، تأکید وی بر مقابله با برنامه‌های موشکی ایران و محدود کردن نقش منطقه‌ای ایران به عنوان بسترهاي اصلی گسترش تنش بین ایران و آمریكا محسوب می‌شود. ضمن اینکه دولت ترامپ به اتخاذ رویکردهای سخت‌گیرانه در قبال جمهوری اسلامی ایران و عدم تساهل در قبال مسائل نظامی و امنیتی تأکید دارد. بنابراین در شرایط جدید افزایش خصوصت آمریکا با ایران و تلاش برای گسترش سطح تنش با ایران واضح‌تر شده است. در آوریل ۲۰۱۹، ایالات متحده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را سازمانی تروریستی معرفی کرد. دولت ترامپ از اواسط ۲۰۱۹ اقدامات خود را در زمینه اعمال «فشار حداکثری» بر جمهوری اسلامی ایران انجام داد. ترور سردار سلیمانی تجلی دیگری از سیاست فشار حداکثری واشنگتن بر ایران بود. درواقع ترور هدفمند رهبر بلندپایه نظامی کشور شکاف مهمی در رابطه ایران و آمریکا ایجاد کرد (Shoamanesh, 2020) به شهادت رسیدن سردار سلیمانی واکنش جمهوری اسلامی ایران در قالب حمله موشکی به پایگاه هوایی آمریکا در بغداد (۲ ژانویه ۲۰۲۰) را به همراه داشت، همچنین در تاریخ ۵ ژانویه ۲۰۲۰ جمهوری اسلامی ایران در گام پنجم کاهش تعهدات خود آخرین مورد کلیدی از محدودیت‌های عملیاتی خود در برجام یعنی محدودیت در تعداد سانتریفیوژها را کنار گذاشت. بدین ترتیب برنامه هسته‌ای ایران با محدودیتی در حوزه عملیاتی مواجه نیست و از این به بعد برنامه هسته‌ای ایران صرفاً براساس نیازهای فنی خود پیش خواهد رفت.

#### سه. تشدید رقابت‌های مذهبی و قومی

از مسائل مهم و تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک غرب آسیا تنش‌های فرقه‌ای است؛ اسلام سیاسی شیعی و سنی به رغم تلاش برای حداکثری کردن نقش اسلام در جامعه اسلامی و نظام بین‌الملل در چگونگی تأسیس نظام سیاسی اسلامی با هم تفاوت‌هایی دارند. خوانش‌های ایرانی (شیعی)، اخوانی (سنی) و داعش (تکفیری) به عنوان خوانش‌های مطرح در غرب آسیا شناخته می‌شوند. خوانش شیعه ایرانی با بهره‌گیری از بنیان‌های معرفتی شیعی و تأکید بر ضرورت فراهم‌سازی شرایط تحقق حکومت حق و عدالت جهانی و تشکیل حکومت به نیابت از امام عصر حکومت اسلامی (ولایت فقیه) را در ایران بنیان نهاد.

اخوان‌المسلمین با تکیه بر بنیان‌های معرفتی اسلامی و بازتعریف هویت اسلامی جریان فکری، اجتماعی و سیاسی مهم و گسترش‌های در جهان اسلام تولید و سازماندهی کرد و حتی در پی انقلاب‌های عربی (۲۰۱۱) در غرب آسیا به صورت کوتاه‌مدت به حاکمیت سیاسی در مصر و تونس دست یافت. خوانش افراطی سلفی - تکفیری نیز با برداشتی سطحی از هویت اسلامی و با بهره‌گیری از خلاصه‌ای معرفتی در

مکتب فکری سلفیت، خوانش‌های دیگر گفتمان اسلام سیاسی در غرب آسیا و نظام بین‌الملل را به چالش کشید. داعش نمونه عینی خوانش افراطی سلفی – تکفیری است. (اکبری، ۱۳۹۷: ۹۰)

تکه‌تکه شدن اردوگاه اسلام‌گرایان موضوعی خطرناک است که در سال‌های آینده ادامه خواهد یافت. این اختلاف تنها درباره تقابل شیعه و سنی نیست بلکه همچنین درباره افزایش اختلافات میان اردوگاه سیاسی – مذهبی اهل سنت (ترکیه و عربستان) و همچنین تمایز بیشتر میان اسلام‌گرایان معتدل و گروههای اسلام‌گرای رادیکال است (Kortunov, 2019) از جنگ‌های داخلی در عراق، سوریه و یمن تا رقابت منطقه‌ای بین ایران و عربستان تا راهبردهای حاکم در کشورهای مختلط مذهبی، فرقه‌گرایی در شکل‌گیری تحولات منطقه تأثیرگذار است (Martini & others, 1) این مسئله بهویژه بعد از وقوع انقلاب اسلامی بر جسته شد؛ بهویژه این که ایران بزرگ‌ترین کشور شیعه در جهان است. همچنین، ایجاد یک دولت شیعی در عراق پس از اشغال آمریکا (۲۰۰۳) و افزایش درگیری شیعی و سنی در عراق، اختلافات فرقه‌ای را به موضوع مهم منطقه تبدیل کرد. علاوه بر این افزایش نفوذ ایران در منطقه و تقویت قدرت حزب‌الله لبنان و افزایش مطالبات سیاسی شیعیان حاشیه خلیج فارس اهمیت و تأثیرگذاری این موضوع را به سرعت افزایش داد. (Sinkaya, 2016: 22 - 23)

منبع دیگر چالش‌های امنیتی در غرب آسیا اقلیت‌های قومی هستند؛ کردها اقلیت نژادی هستند که در امتداد مرزها زندگی می‌کنند. تقریباً ۲۷ میلیون کرد در منطقه زندگی می‌کنند که ۲۰ تا ۱۵ درصد جمعیت عراق، ۸ درصد جمعیت سوریه و ۷ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند (Bakr, 2013: 4) با تشکیل اقلیم خودختار کردستان نگرانی از کردها در سایر کشورهای همسایه بهویژه ترکیه افزایش یافته است.

چهار. توسعه طلبی رژیم صهیونیستی و تلاش برای عادی‌سازی رابطه با اعراب افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر فرصتی به عربها و صهیون‌ها برای هم‌گرایی بخشیده و آنها نگرش خود را نسبت به رژیم صهیونیستی تعديل کرده‌اند. ایده همکاری راهبردی بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی بهترین راه حل برای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی قلمداد می‌شود. (گزارش راهبردی سیاسی، ۱۳۹۵: ۴۴)

موقعیت‌گیری‌های هماهنگ ریاض و تل‌آویو درباره برنامه هسته‌ای و راهبردهای منطقه‌ای ایران در سال‌های اخیر به شکل‌گیری ائتلاف تاکتیکی بین آنها منجر شده است. این اتحاد در قبال تهدید مشترک، منجر شد تا عربستان مواضعی در حد مواضع رژیم صهیونیستی علیه ایران اتخاذ و به جنگنده‌های رژیم صهیونیستی اجازه عبور از خاک خود جهت حمله احتمالی به ایران بدهد. به نظر

می‌رسد جبهه ضد ایرانی عبری - عربی به طور فزاینده‌ای در حال تقویت باشد. توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی رژیم صهیونیستی و کشورهای حاشیه خلیج فارس بهویژه عربستان، قطر، امارات و عمان و دیدارهای متعدد رهبران ریاض و تل آویو و آمادگی عربستان برای بازگشایی سفارت خود در رژیم صهیونیستی در این راستا قابل ارزیابی است. (اختیاری امیری، ۱۳۹۵: ۴۸ - ۴۷)

در حال حاضر رژیم صهیونیستی با پنج کشور مصر، اردن، مراکش، تونس و موریتانی روابط اقتصادی نزدیک دارد و در زمینه روابط سیاسی نیز با مصر، اردن و ترکیه روابط دیپلماتیک دارد. بنابراین گسترش رابطه رژیم صهیونیستی با سایر کشورهای منطقه از مهم‌ترین چالش‌هایی است که جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند. صهیونیسم سنتیزی که یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست عرب است متوقف شده و در مقابل خصوصیت مشترک با ایران و متحداش موجب شکل‌گیری روابط جدید بین رژیم صهیونیستی و تعدادی از کشورهای عربی شده است. البته همبستگی با ملت فلسطین همچنان در بین مردم عرب مطرح است که این امر نشان‌دهنده شکاف فراینده بین رژیم‌های عرب و مردم آنها است (Del Sarto and others, 2019: 4)؛ اکثریت عرب‌ها (۸۷ درصد) از به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی توسط کشورهای خود ناراضی هستند و تنها ۸ درصد آنها شناسایی رسمی دیپلماتیک آن را می‌پذیرند.

(Arab Opinion Index 2017 - 2018, 2018)

**پنج. کاهش سطح همگرایی در منطقه؛ فقدان نظام امنیت دسته‌جمعی**

سیستم‌های همکاری منطقه‌ای موجود در غرب آسیا عموماً بی‌اثر هستند، یکپارچگی سیاسی وجود ندارد و سطح تجارت منطقه‌ای پایین است. بنابراین گرچه منطقه‌منا شاهد گسترش سازوکارهای همکاری منطقه‌ای از اواسط دهه ۱۹۴۰ بوده است - با اتحادیه عرب که قدیمی‌ترین سازمان منطقه‌ای در جهان است - اختلاف آشکاری بین سطوح همکاری و سطح ادغام منطقه‌ای وجود دارد (Del sarto & I Lecha, 2018: 2)؛ اکنون غرب آسیا قادر سازمان منطقه‌ای مثل اتحادیه اروپا است که بتواند برای ایجاد صلح در موارد نیاز عمل کند. تلاش‌های زیادی برای تشکیل اتحاد منطقه‌ای برای ایجاد ثبات و همکاری انجام شد اما موفق به دستیابی به نتایج موردنظر نشدند. سازمان‌های منطقه‌ای تاکنون نتوانستند نقش مؤثری در سیاست‌های منطقه بازی کنند.

تلاش دولتهای قدرتمند منطقه برای تبدیل این سازمان‌ها به ابزارهای سیاسی به نفع خود منجر شد که دولتهای ضعیفتر در مورد همکاری بیشتر بی‌میل شوند (Sinkaya, 2016: 12)؛ یکی دیگر از دلایل ضعف سازمان‌های منطقه‌ای در غرب آسیا این واقعیت است که آنها معمولاً در

واکنش به برخی تهدیدات و حوادث و نه براساس ایده‌های پایدار و الهام‌بخش ظاهر شده‌اند، بنابراین نمی‌توانیم در مورد توسعه هویت منطقه‌ای و ارزش‌های منطقه‌ای در غرب آسیا صحبت کنیم. (Oztork, 2017: 14) اقتصاد رانتی بیشتر کشورهای غرب آسیا از مهم‌ترین موافع هم‌گرایی اقتصادی منطقه‌ای است. بنابراین در حال حاضر روابط بین کشورهای منطقه در حوزه‌های مختلف در پایین‌ترین سطح ممکن است (ایمانی و دیگران، ۹۸: ۱۳۹۷) احساس «ما بودگی» که برای ایجاد هم‌گرایی منطقه‌ای ضروری است هیچ‌گاه در غرب آسیا تحقق نیافته است. هم‌اکنون هیچ نوع تشکیلات دسته‌جمعی که تمام کشورها را زیر لوای خود متعدد سازد و مشکلات امنیتی مشترک را حل کند، وجود ندارد. این امر بیانگر عدم درک متقابل یا فقدان مکانیزم‌هایی است که توانایی حل و فصل، مهار یا جلوگیری از تشدید اختلافات کنونی به سمت قطب‌بندی بیشتر یا درگیری مسلح‌انه را داشته باشد. وحدت فلسفی، فکری و مفهومی بین کشورهای منطقه غرب آسیا حداقل در نیم قرن آتی امکان پذیر نخواهد بود؛ به قدری تعاریف با هم فرق می‌کند و به اندازه‌ای تجربیات داخلی این کشورها متغیر است که هر نوع یکپارچگی فکری را به تأخیر می‌اندازد. (سریع القلم، ۱۳۷۷: ۴۳)

### شش. ترویج ایران‌هراسی و شیعه‌هروسی

مفهوم هلال شیعی اولین بار توسط ملک عبدالله پادشاه اردن مطرح شد. او در سال ۲۰۰۴ با صدور بیانیه‌ای گفت که کشورهای عربی سنتی توسط هلال شیعه که از ایران به لبنان، عراق و سوریه گسترش یافته است محاصره شده‌اند. سپس حسنی مبارک (۲۰۰۶) اعلام کرد که جمعیت شیعه منطقه به ایران احساس تعهد بیشتری دارند تا کشورهایی که در آن زندگی می‌کنند؛ سرانجام سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان اظهاراتی مشابه را مطرح کرد. (Eksi, 2017: 141) اخیراً هشداری از همین نوع توسط رئیس اردن، ژنرال «مامود فرهات»<sup>۱</sup> مطرح شده است که خطرات «کمربند ایرانی»<sup>۲</sup> را که می‌تواند منجر به پیوند ارضی ایران و لبنان از طریق عراق و سوریه شود، برجسته کرده است. اهل سنت به آنچه در غرب آسیا اتفاق می‌افتد بهویژه در موصل، عراق،<sup>۳</sup> حلب و سوریه به عنوان یک جنگ راهبردی طراحی شده توسط ایران برای حفاظت از «راهرو شیعی» یا «پل امپریالیستی»<sup>۴</sup> تعبیر می‌کنند. (Haddadin, 2017)

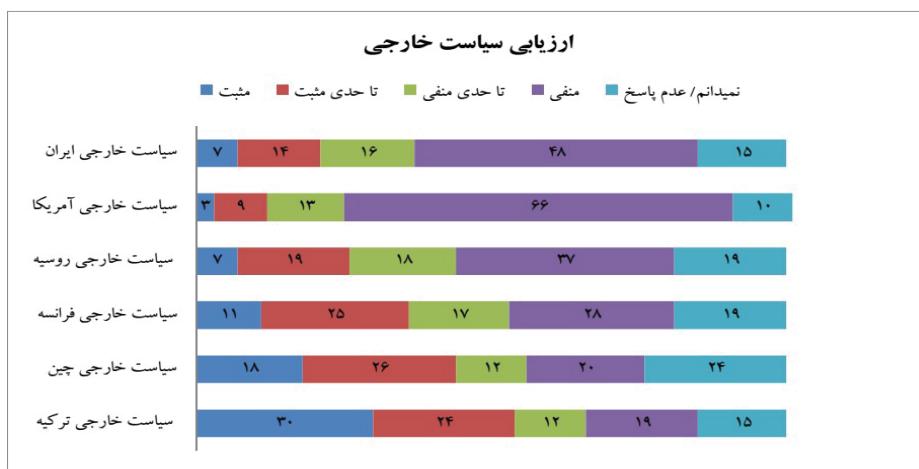
نگرانی درباره هلال شیعه به دلیل نگرانی در مورد افزایش قدرت و نفوذ ایران و جبهه

1. Mamoud Freihat.
2. Iranian Belt.
3. Shia corridor.
4. imperial bridge.

مقاومت در منطقه شکل گرفته است. آنها نگران شکل گیری هلال شیعه هستند، چراکه در درجه اول این امر باعث افزایش نقش شیعیان در ساختار قدرت در منطقه از طریق ایجاد اتحاد بین ایران و عراق خواهد شد. شرایط پیش‌گفته منجر به تغییر ساختار سیاسی و قدرت در منطقه علیه حاکمان سنی شده است و نیز این اتحاد درون بلوک ایران، عراق، لبنان و سوریه اتفاق افتاده که در آن حاکمان مخالف نظام سلفی هستند، چنین ارتباط راهبردی تعادل قدرت، نوع تهدید، کیفیت تهدید و میزان تهدید در منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همچنین تقویت چنین اتحادی با درک متفاوت آن درباره نقش و حضور قدرت‌های بزرگ تهدیدی برای کشورهای سنی محافظه کار در منطقه است. این موضوع در مورد اقلیت‌های شیعه در منطقه خلیج فارس بسیار مهم است. (Salavatian & others, 2015: 145)

بخش مهمی از گزارش «شاخص نظر عربی»<sup>۱</sup> (۲۰۱۸ - ۲۰۱۷) درباره سنجش افکار عمومی جهان عرب درباره سیاست‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای در غرب آسیا است. براساس نتایج حاصل از ارزیابی، در رتبه اول ۷۹ درصد پاسخ‌دهندگان نظرات منفی درباره سیاست خارجی ایالات متحده در قبال کشورهای عربی داشتند و در رتبه دوم ۶۴ درصد نگرش منفی به سیاست‌های عربی ایران داشتند.

#### نمودار ۱. افکارسنجی جهان عرب درباره سیاست‌های بزرگ قدرت‌های بزرگ در غرب آسیا (2018, 2018 – Arab Opinion Index 2017)



#### 1. Arab Opinion Index.

شاخص نظر عربی بزرگترین نظرسنجی افکار عمومی در جهان عرب است. شاخص نظر عربی ۲۰۱۸ - ۲۰۱۷ براساس یافته‌های مصاحبه با ۱۸۸۳۰ فرد در ۱۱ کشور عربی است.

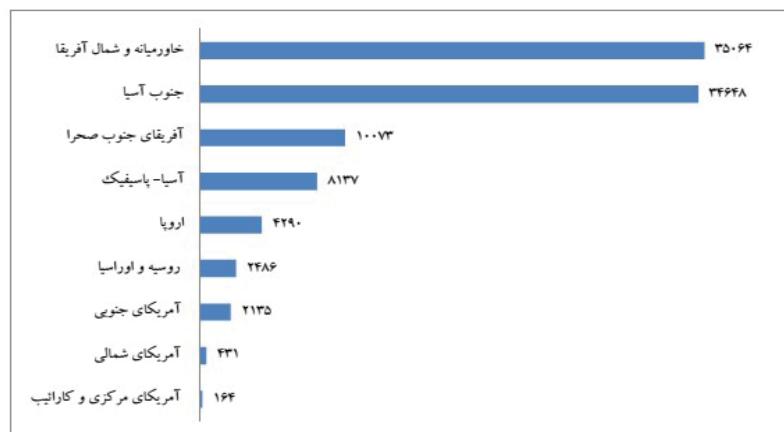
### هفت. افزایش قدرت بنیادگرایان سلفی

بیشترین تهدید امنیتی در غرب آسیا تا دهه آینده از جانب تروریسم خواهد بود (Meddeb, 2017: 16) در غرب آسیا دولتهای شکننده (پاکستان، افغانستان، عراق، سوریه، یمن) و در معرض شکنندگی (مصر، لیبی) وجود دارند که محیط گسترش بی ثباتی به کشورها و مناطق دیگر هستند. همچنین دولتهای ضعیفی مانند تونس و لبنان نیز کنترل چندانی بر قلمروی خود ندارند؛ درنتیجه خاک این کشورها محلی برای آموزش، عضوگیری و اختفای افراطگرایان است. (کرمزادی، ۱۳۹۵: ۱۲۳)

از میان تمام درگیری‌های مسلحانه که از سال ۲۰۰۰ در سراسر جهان اتفاق افتاده است بیش از یک‌سوم در غرب آسیا بوده است. از زمان بیداری اسلامی تاکنون این تعداد به نصف رسیده است. تا سال ۲۰۱۶، جنگ داخلی سوریه، مرگبارترین کشمکش مسلحانه قرن ۲۱ بوده است (Mundy, 2019: 240 - 241) همچنین تعداد گروههای جهادی سلفی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ در شمال آفریقا و شرق مدیترانه دو برابر شده است (افزایش ۵۸ درصدی) کمی پایین‌تر این آمار برای دوره بعدی بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ قابل استنتاج است (Meddeb, 2017: 16).

گروههای اسلامی افراطگرا در اثر خلاً قدرت توانستند تشکیلات قوی در منطقه ایجاد کنند و برخی مانند القاعده شاخه یمن و لیبی، «جههه النصره» دولت اسلامی سینا و داعش به شکل بی‌سابقه‌ای قادر تمند شدند. براساس گزارش «شاخص جهانی تروریسم» (۲۰۱۴) پنج کشور اول جهان که بیشترین ضربه را از فعالیت‌های تروریستی متحمل شده‌اند عراق، افغانستان، پاکستان، نیجریه و سوریه هستند. همچنین مرگبارترین حملات تروریستی جهان در سال ۲۰۱۳ مربوط به فعالیت‌های تروریستی افراطگرایان اسلامی بوده که عموماً در منطقه غرب آسیا صورت گرفته است. (کرمزادی، ۱۳۹۵: ۱۱۴)

نمودار ۲. حملات تروریستی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ به تفکیک مناطق ([www.statista.com](http://www.statista.com))

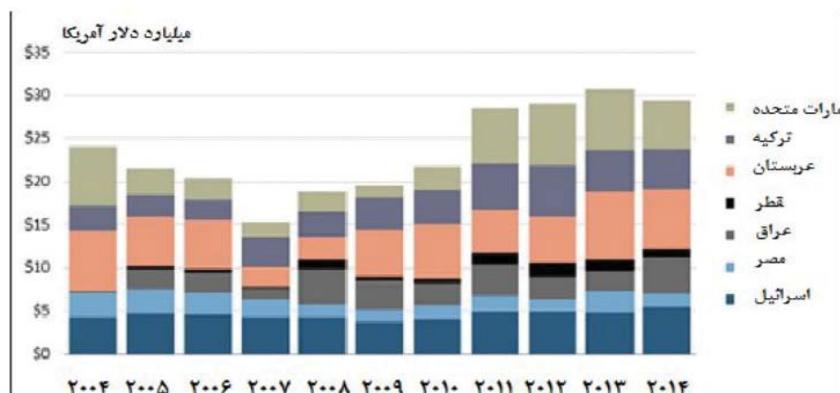


جريدة‌های تکفیری - تروریستی با ایجاد بحران و بی‌ثباتی در منطقه، ایجاد دودستگی بین دولت‌های مسلمان، تغییر دشمن از آمریکا و رژیم صهیونیستی به شیعیان و کشورهای اسلامی به تضییف محور مقاومت پرداخته‌اند. علاوه بر این به بیانه مقابله با فعالیت گروه‌های تکفیری کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا در قالب ائتلاف بین‌المللی ضد تروریسم مجددأ به عراق برگشتند و حاکمیت سرزمینی سوریه را به دفعات نقض کرده و فعالیت خود را در منطقه افزایش داده‌اند. (همان، ۱۲۷ - ۱۲۴)

#### هشت. افزایش رقابت‌های تسليحاتی

کشورهای غرب آسیا بزرگ‌ترین واردکنندگان اسلحه در جهان هستند که این روند در حال افزایش است. واردات اسلحه در غرب آسیا از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ ۱۳۰ درصد افزایش یافته است. بزرگ‌ترین خریداران تسليحات، عربستان، قطر، امارات و ترکیه هستند. (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۳) براساس گزارش «سپیری» از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ هند ۱۳ درصد واردات سلاح در جهان را به خود اختصاص داده و رتبه‌های بعدی مربوط به عربستان، امارات، چین و الجزایر است. (جعفری و دیگران: ۱۳۹۷: ۱۳) سه کشور عربستان، قطر و امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۵، ۱۱۳ میلیارد دلار اسلحه خریده‌اند. (سریع القلم، ۱۳۹۵: ۱۲۲)

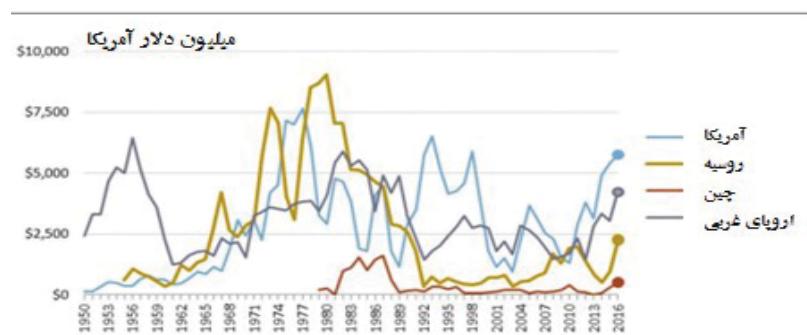
نمودار ۳. واردات سلاح برقی کشورهای غرب آسیا



به موازات این افزایش کشورهای منا در کنار عرضه‌کنندگان سنتی (آمریکا، اروپای غربی و روسیه) به دنبال متنوع‌سازی منابع خرید خود از بازیگران در حال ظهور (چین، هند، اندونزی، پاکستان، آفریقای جنوبی، ترکیه، اوکراین) - که نسبت به عرضه‌کنندگان سنتی مایل به انتقال فناوری‌اند - هستند (Biscop & Sassel, 2017: 3) بنابراین گرچه آمریکا بزرگ‌ترین تأمین‌کننده اسلحه در غرب آسیا است، سایر تولیدکنندگان مثل روسیه، فرانسه و چین نقش کلیدی در منطقه ایفا می‌کنند.

(Thomas, 2017: 3)

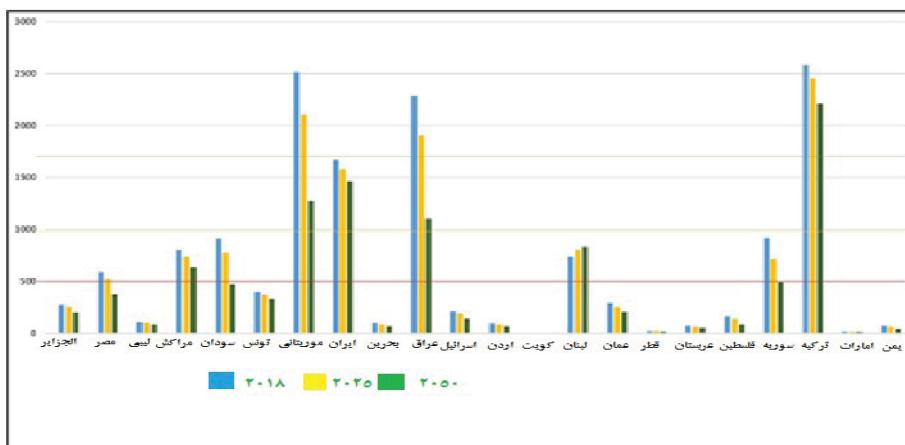
نمودار ۴. مهمترین کشورهای صادرکنندگ سلاح به غرب آسیا ۲۰۱۶ - ۱۹۵۵



نه. گسترش بحران در منابع؛ بحران آب و محیط زیست

امروز مسائل زیست محیطی در غرب آسیا از اهمیت راهبردی برخوردارند. با توجه به پیامدهای گسترده و اجتناب ناپذیر چالش‌های زیست محیطی این مسائل به موضوعی اساسی در منطقه تبدیل شده‌اند. امروز آب به عنوان یک موضوع ژئوپلیتیک تجلی یافته و بر روابط کشورها تأثیر می‌گذارد. (مختاری هشی، ۱۳۹۲: ۵۴ - ۵۳) منا کم‌آب‌ترین منطقه جهان است که هفده کشور در آن در زیر خط فقر آب قرار دارند، این منطقه با شش درصد جمعیت جهان تنها یک درصد از منابع آب شیرین جهان را دارد. (Scott, 2019) مسائلی چون محدود بودن منابع آب، رشد فراینده جمعیت، رشد شهرنشینی، افزایش تقاضا برای مواد غذایی، هزینه بالای تصفیه مجدد آبهای آلوده و ناتوانی در انجام مفاد موافقتنامه‌های بین‌المللی آب، از عوامل بروز و تداوم بحران آب در غرب آسیا است. (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۸) مطابق نمودار تمام اقتصادهای منا غیر از ترکیه تا ۲۰۵۰ با کمبود آب مواجه خواهد شد (Keulertz, 2019: 2).

نمودار ۵. سرانه دسترسی به آب، ۲۰۱۸، ۲۰۲۵ و ۲۰۵۰ (Keulertz, 2019: 3)



سه دهه پیش پتروس غالی پیش‌بینی کرد که جنگ بعدی در غرب آسیا بر سر آب خواهد بود (Arab Center Washington DC, 2019: 14) اختلافات ارضی است. بحران آب رابطه سه کشور ترکیه، سوریه و عراق را تحت تأثیر قرار داده است؛ شورش در سوریه تا حدی ناشی از خشکسالی بود که صدها هزار نفر از کشاورزان فقیر سوریه را به شهرها فرستاد. کمبود منابع زیست‌محیطی موجب گسترش جنگ داخلی در سوریه، یمن و سودان شد. اردن و کشورهای حوزه خلیج فارس جزء نگران‌کننده‌ترین کشورها در زمینه کمبود آب در جهان هستند. (Babbitt and others, 2017: 43)

بنابر تحقیقات « مؤسسه علوم جوی و تغییر اقلیم »، اگر روند تغییرات آب و هوایی همچنان ادامه یابد در طول یک قرن ترکیب دما و رطوبت بالا در منطقه خلیج فارس شرایطی را ایجاد می‌کند که زندگی در این منطقه عملاً غیرقابل تحمل می‌شود. افزایش دمای هوا نه تنها در عربستان که تهدید بزرگی برای کشورهای کویت، ایران، لیبی و یمن نیز خواهد بود. مطابق ارزیابی دانشمندان « پانل بین دولتی تغییر اقلیم سازمان ملل » پیش‌بینی شده که منا در حال تبدیل به منطقه‌ای خشک‌تر و گرم‌تر است. افزایش دما و کمبود بارندگی و خشکسالی‌های متواتی در این منطقه شدت گرفته و تخمین زده شده تا سال ۲۰۵۰ تا ۸۰۰ میلیون نفر در معرض تنفس شدید آبی قرار خواهند گرفت و منابع آب زیرزمینی با کاهش چشمگیری مواجه خواهد شد. کاهش چشمگیر میزان تولید محصولات کشاورزی، افزایش بیابان‌زایی، افزایش خسارت ریزگردها، طوفان نمک و شن، افزایش بیماری‌های تنفسی و سرطانی، سوء تغذیه و کاهش منابع درآمدی از نتایج کاهش منابع آبی در منطقه خواهد بود. (قدسی، ۱۳۹۷: ۲۱۸)

#### ۵. افزایش دولتهای ناکامیاب و فدرالیزه شدن کشورها

دولتهای ناکامیاب از مهم‌ترین مشکلات امنیتی در غرب آسیا هستند که این تهدید در پی اعتراض‌های عربی مشهودتر نیز شده است. دولتهای حاکمیت‌دار در نظام بین‌المللی و سنتالیابی باید کارویژه‌های حداقلی را در زمینه تأمین رفاه و امنیت شهروندان‌شان و عملکرد بی‌دردرس در نظام بین‌المللی به انجام برسانند. دولتهایی که نتوانند این استانداردهای حداقلی را تأمین کنند، « ضعیف » و « شکننده » توصیف می‌شوند؛ دولتهایی که وضع وخیم‌تری دارند، برچسب « ناکامیاب » یا « فروپاشیده » می‌خورند. « رابت فیسک » اشاره می‌کند که دولتها در غرب آسیا شکننده هستند زیرا در ابتدا توسط قدرت‌های غربی شکننده تأسیس شده‌اند. (Oztork, 2017: 12)

از نظر « رابت جکسون » دولتهای ناکامیاب نمی‌توانند از شرایط مدنی حداقلی یعنی صلح، نظام و

امنیت در سطح داخلی حراست کنند. از نظر «رتبرگ»، دولتهای ناکامیاب دولتهای پرتنش، منازعه‌آلود، خطرناک و صحنه کشمکش جناح‌های در حال جنگ هستند. (طالبی آرانی و زرین نرگس، ۱۳۹۶: ۷۹) مطابق با آمار سال ۲۰۱۹، براساس «شاخص دولتهای شکننده»<sup>۱</sup> یمن در فهرست شکننده‌ترین کشور قرار دارد (Broom, 2019)، سوریه و یمن به عنوان کشورهای «هشدار بسیار بالا» و عراق به عنوان «هشدار بالا» رده‌بندی شده‌اند (the Middle East & North Africa Landscape, 2019: 9) نکته مهم درباره دولتهای ناکامیاب این است که یک معضل صرفاً محلی نیست بلکه آثار و پیامدهای منطقه‌ای دارد، بنابراین، یک تهدید جدی برای غرب آسیا است.

#### یازده. مداخله‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در غرب آسیا

منطقه غرب آسیا بهدلیل اهمیت راهبردی و منابع عظیم انرژی همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. در حال حاضر سه بازیگر اصلی فرامنطقه‌ای درگیر پویایی‌های قدرت در غرب آسیا هستند؛ آمریکا، روسیه و چین. مداخله نظامی، سیاسی و امنیتی این بازیگران خارجی منطقه را تا حد زیادی به منافع، اصول و سیاست‌های آنها وابسته می‌کند. غرب آسیا در قرن ۱۹ و ۲۰ عرصه رقابت قدرت‌های امپریالیستی اروپایی غربی و روسیه تزاری بود. در اواسط قرن ۲۰ نفوذ قدرت‌های اروپایی غربی در غرب آسیا رو به زوال رفت. جنگ جهانی دوم کشورهای اروپایی را ویران کرد؛ انگلیس و فرانسه فضا را برای ایالات متحده باقی گذاشتند که به قدرت غالب در منطقه تبدیل شود (Zulfqar, 2018: 126).

دوران جنگ سرد عرصه رقابت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در غرب آسیا بود. با فروپاشی شوروی، آمریکا تبدیل به کارگزار اصلی نظم تکقطیعی منعطف دوره پس از جنگ سرد شد و به موقعیت برتری در منطقه دست یافت. اکنون آمریکا در منطقه دارای پایگاه‌های نظامی است و دهها هزار نفر از نیروهای آمریکایی در منطقه مشغول فعالیت هستند. آمریکا طی بیش از دو دهه اخیر مداخله‌گرایی اثربخشی بر کارگزاران، روندها و الگوهای رابطه‌ای در غرب آسیا داشته است؛ دخالت‌های آمریکا در پویایی‌های منطقه بهویژه در جنگ داخلی سوریه، جنگ‌های لیبی و عراق و بحران یمن قابل مشاهده است، اما این موقعیت در سال‌های اخیر در عرصه بین‌الملل و غرب آسیا تضعیف شده است. سردرگمی راهبردی، عدم توانایی پیشبرد اهداف، کاهش توان روندسازی و مدیریت روندها، اختلاف با متحدان و مقاومت سایر بازیگران در برابر یک‌جانبه‌گرایی‌های آن از نشانه‌های این ضعف است. (نوری، ۱۳۹۸: ۸۰)

---

1. Fragile States Index.

دراین میان روسیه و چین دو کشوری هستند که خواهان نقش جهانی هستند و راهبردهایی با هدف مداخله در منطقه منا دارند. روسیه در تلاش است تا دوباره قدرت خود را احیاء کند و چین تلاش می‌کند تا برای اولین بار در تاریخ به بازیگر مهم منطقه تبدیل شود (Kouskouvelis, 2017: 84) در سال‌های اخیر، روسیه در صدر معادلات قدرت منطقه قرار داشته است. روسیه اکنون برای حفاظت از اتحاد قدیمی خود با اسد دخالت سنگینی در سوریه دارد. اما این کشور موارد دیگری نیز در دستور کار خود دارد، بازار نظامی منطقه یکی از آنها است، همچنین سعی در دور کردن منطقه از نفوذ ایالات متحده دارد. (Hussain & Javad, 2018: 166)

چین نیز هرچند در حال حاضر نقش مهمی در روندهای منطقه‌ای ندارد و در مقایسه با روسیه تمایلی به دخالت تنش‌زا ندارد اما روابط اقتصادی و دیپلماتیک خود را در منطقه گسترانده و توسعه بیشتر این منافع دخالت آن در مسائل آتی منطقه را اجتناب ناپذیر می‌کند. (نوری، ۱۳۹۸: ۸۰ – ۸۲) با توجه به سرمایه‌گذاری کلان پکن در غرب آسیا، گردش مالی سنگین این کشور در منطقه علاوه بر دسترسی بیشتر نفوذ گستردہ‌تر نیز به دنبال داشته است. براساس این، با توجه به ادراک تغییرات امنیتی در واشنگتن و علاقه جدید دیگر بازیگران جهانی به منطقه بهویژه روسیه، آمریکا از «تنها» قدرت در غرب آسیا به یک قدرت – البتہ پیش رو – در میان دیگران تبدیل شده است. (Csicsmann, 2017: 6)

### نتیجه

بررسی نظریه‌ها، شاخص‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قدرت یک کشور نشان‌دهنده اهمیت عوامل ژئوپلیتیکی در تعیین جایگاه آن کشور در نظام قدرت منطقه‌ای و جهانی است. سنجش مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی قدرت ایران و مقایسه آن با سایر کشورها در غرب آسیا، اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد. دراین‌راستا، در کنار لزوم توجه به مزیت‌های ژئوپلیتیکی، ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای و رسیدن به نظام مطلوب مستلزم شناسایی و تحلیل خطرات ژئوپلیتیکی پیش‌روی کشور در منطقه غرب آسیا است. غرب آسیا بیش از هرچیز بادآور منازعه است و الگوهای نظم منطقه‌ای در این مجموعه امنیتی همواره در وضعیتی مبهم، سیال و متغیر قرار داشته است. منازعات منطقه‌ای را می‌توان در قالب اختلاف‌های مذهبی – ایدئولوژیک، منازعات قومی، قبیله‌ای، مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی، اختلاف بر سر منابع آب، نفت و گاز و قیمت آنها مطرح کرد. همچنان که اختلاف بر سر دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مناسبات همواره وجود داشته و موجب شکل‌گیری چشم‌اندازهای مختلف در خصوص الگوی نظم منطقه‌ای شده است.

در اين پژوهش خطرات ژئopoliticki پيشروي جمهوري اسلامي ايران در افق ۲۰۲۵ شناسايی شد که مهمترین آنها عبارتند از: افزایش تنش ميان ايران و عربستان، افزایش تقابل آمريكا و ايران، تشدید رقابت‌های مذهبی و قومی، توسعه طلبی رژیم صهیونیستی، کاهش سطح همگرایی در منطقه، ترویج ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، افزایش قدرت بنیادگرایان، افزایش رقابت‌های فرامنطقه‌ای در گسترش بحران در منابع، افزایش دولت‌های ناکامیاب و مداخله‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در غرب آسیا. خطرات ژئopoliticki پيشروي جمهوري اسلامي ايران کاملاً پیچیده و درهم‌تinde است. افزایش ایران‌هراسی زمینه برای گسترش نفوذ آمريكا در منطقه و افزایش فروش تسليحات به کشورهای عربی را فراهم می‌کند. نظم مطلوب آمريكا در منطقه افزایش قدرت رژیم صهیونیستی در منطقه است. مداخلات فرامنطقه‌ای سازوکارهای مدیریت بومی - منطقه‌ای و استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌گرایی را تضعیف می‌کند. از طرفی تنش بین ايران و عربستان رقابت‌های فرقه‌ای و ایدئولوژیک را تشدید و زمینه برای افزایش قدرت و نفوذ آمريكا در منطقه و تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عليه ايران را فراهم می‌آورد.

براساس مهمترین خطرات ژئopoliticki استخراج شده در پژوهش ارتقای جایگاه و وضعیت ژئopoliticki جمهوري اسلامي ايران در غرب آسیا مستلزم کاهش تنش در رابطه اiran و عربستان، کاهش نفوذ آمريكا در غرب آسیا، توجه به آموزه‌های دینی مشترک در راستای کاهش رقابت‌های مذهبی و قومی، معرفی رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن مشترک دولت‌ها و ملت‌های منطقه، ایجاد نظام اقتصادي، سیاسی و امنیتی مشترک در منطقه، کاهش ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، همکاری منطقه‌ای در راستای مبارزه با ترورسم، کاهش خردی‌های تسليحاتی در منطقه، اتخاذ سازوکارهای منطقه‌ای به منظور حفاظت از محیط زیست، کمک به دولت‌های شکست‌خورده و جلوگیری از تجزیه کشورهای منطقه‌ای و کاهش مداخله‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در امور منطقه است. برخلاف از چالش ایران‌هراسی با استفاده از دیپلماسی فرهنگی و برنامه‌ریزی در زمینه‌های آموزشی و هنری و معرفی صحیح آموزه‌های شیعی و تأکید بر اشتراکات دینی و تقویت پیوندهای فرهنگی امکان‌پذیر است. می‌توان همگرایی در سطح منطقه را با تقویت مبادلات اقتصادي و ایجاد چارچوب‌های مشترک برای همکاری و مذاکره برای حل و فصل چالش‌های سیاسی - امنیتی تقویت نمود. این عوامل خود به خود زمینه برای کاهش نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله آمريكا در منطقه، کاهش تنش بین بازيگران منطقه‌ای به ویژه اiran و عربستان، کاهش خرد تسليحات هسته‌ای، کاهش قدرت تروریسم و انزوای بیشتر رژیم صهیونیستی در منطقه را فراهم می‌کند.

## منابع و مأخذ

۱. ایزدی، جهانبخش و حمیدرضا اکبری، ۱۳۹۵، «اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۹، ش ۳۵.
۲. البرزی دعوتی، هادی و اکبر نصراللهی، ۱۳۹۷، «تحلیل روندها و پیشانهای مؤثر بر خبر صدا و سیما در ۵ سال آینده»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ش ۹۴.
۳. کاظمی، حجت و مریم نظامی، ۱۳۹۹، «روندهای کلان منطقه‌ای و چشم‌انداز توسعه در خاورمیانه»، *دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۸، ش ۱.
۴. کرم‌زادی، مسلم، ۱۳۹۵، «سلفی گرایی جهادی - تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ش ۱۸.
5. Arab opinion index 2017-2018, 2018, Main Results in Brief, Arab Center Washington DC
6. Babbitt, Eileen and others, 2017, Negotiating Conflict in the Middle East and North Africa, Harvard Kennedy School Negotiation Project, Cambridge, MA.
7. Bakr, Noha, 2013, Security Challenges in the Middle East, Arms Control: Does it have a Future Russian Political Science Association, ROSSPEN Publisher Moscow.
8. Biscopand, Sven and Sassel Julien, 2017, Military Factors in the MENA Region: Challenging Trends, MENARA Project, No 6.
9. Broom, Douglas, 2019, These are the world's most fragile states in 2019, Available at: <https://www.weforum.org/agenda/2019/04/most-fragile-states-in-2019-yemen/>,
10. Burrows, Mathew J., 2014, Middle East 2020: Shaped by or Shaper of Global Trends? Atlantic Council,
11. Csicsmann, L. & others, 2017, the MENA Region in Global Order: Actors, Contentious Issue and Integration Dynamics, MENARA (4).
12. Dario Caldara, and Iacoviello, Matteo, 2018, Measuring Geopolitical Risk, International Finance Discussion Papers 1222. <https://doi.org/10.17016/IFDP.2018.1222>.
13. EKŞİ, M., 2017 , Regional Hegemony Quests in the Middle East from the Balance of Power System to the Balance of Proxy Wars: Turkey as Balancing Power for the Iran - Saudi Rivalry, Akademik Bakış, Volume 11 (21).
14. Europe & Iran in a Fast-Changing Middle East, 2019, Foundation for European Progressive Studies (FEPS) and Istituto Affari Internazionali (IAI) , Edizioni Nuova Cultura, Rome.
15. Goll, E & others, 2019, Imagining Future (s) for the Middle East and North Africa, MENARA Final Report, No. 2.
16. Hodek, Jakub and Panadero Miguel, 2019, Iran Strategic Report, Center for Global Affairs & Strategic Studies, Universidad de Navarra.
17. Holmquist, Erika and Rydqvist, John (2016) , The Future of Regional Security in the Middle East, FOI-R-4267-SE.

18. I lecha, E. S. & others, 2016, Re-conceptualizing orders in the Mena Region, the Analytical Framework of the Menara Project, Methodology and concept papers.
19. Keulertz, Martin, 2016, Material Factors for the MENA Region: Data Sources, Trends and Drivers, Methodology and Concept Pappers, MENARA Project.
20. Kortunov, Andrey, 2019, the Future of Middle East: Horizons of Challenges & Opportunitise, Available at <http://russiancouncil.ru>.
21. -Meddeb, H. & others, 2017, Regional and Politics Religouse Diversity, Political Fragmentation and Geopolitical Tentions in the MENA Region, MENARA, No. 7 December,
22. Mulligan, Mark and others, 2017, Environmental Factors in the MENA Region: a SWOT Analysis, MENARA Project, No 4.
23. Mundy, Jacob, 2019, The Middle East is Violence: On the Limits of Comparative Approaches to the Study of Armed Conflict, Civil Wars, Published by Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group.
24. Osiewicz, Przemysław, 2016, Ideological Determinants of the Current Saudi-Iranian Rivalry in the Middle East, Przegląd Politologiczny, Published by Uniwersytet Adama Mickiewicza, Issue No: 2, 115-125.
25. Sinkaya, B., 2016, Introduction to Middle East Politics: Leading Factors, Actors and Dynamics, ORSAM RESOURCE (1).
26. Soleri, E. & others, 2016, Re-conceptualizing Orders in the MENA Region the Analytical Framework of the MENA Projet, Menara, No. 1.
27. Zulfqar, Saman, 2018, Competing Interests of Major Powers in the Middle East: The Case Study of Syria and Its Implications for Regional Stability, PERCEPTIONS, Volume XXIII, Number 1, 121-148.

